

عصر خلفای نخستین

مقدمه

در درس قبل با دستاوردهای عظیم نهضت اسلامی در عصر نبوی آشنا شدید و درباره‌ی مشکلات و مسائلی که در سال‌های پایانی زندگی پیامبر ایجاد گردیده بود، مطالبی خواندید. در این درس ضمن بررسی عملکرد جانشینان پیامبر (ص) تا شهادت امام علی (ع)، به مسأله‌ی فتوحات مسلمانان در خارج از شبه جزیره‌ی عربستان و درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی جامعه‌ی اسلامی پرداخته می‌شود. در پایان نیز دوره‌ی حساس و پراشوب خلافت کوتاه امام حسن (ع) و دلایل و چگونگی صلح او با معاویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رهبری جامعه پس از پیامبر (ص)

محمد جز فرستاده‌ی خدا نیست که پیش از او نیز رسولانی آمده‌اند، پس اگر بمیرد یا کشته شود، شما به روش گذشتگانتان باز خواهید گشت؟
(سوره‌ی آل عمران / آیه‌ی ۱۴۴)

اسامه‌ی جوان را به فرماندهی سپاهی عظیم گماشت، به نظر شما آیا می‌توان رابطه‌ای میان این تصمیم ایشان با پیش‌بینی بروز مخالفت برخی با جانشینی امام علی (ع) پیدا کرد؟

به رغم آن که پیامبر (ص) در غدیر خم، امام علی (ع) را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، عواملی موجب گردید آن حضرت نتواند اداره‌ی حکومت اسلامی را پس از وفات پیامبر (ص) عهده‌دار شود. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

۱- بقایای خصلت‌های اخلاقی و آداب و رسوم عصر جاهلی، از جمله رسم شیخوخیت: کهنسالی از جمله مهم‌ترین شرایط احراز ریاست و فرماندهی جامعه‌ی جاهلی بود، برخی با همین تصور از پذیرش جانشینی علی (ع) که کمتر از ۳۵ سال داشت، امتناع کردند.

۲- حسادت و کینه‌توزی: نقش بی‌نظیر و ارزنده‌ی امام علی (ع) برای پیشرفت اسلام در طول دوران رسالت پیامبر (ص) و عشق عمیق رسول خدا (ص) نسبت به او، حسادت افراد بسیاری را برانگیخته بود؛ گروهی نیز به سبب آن که یک یا چند تن از اعضای خانواده و قبیله‌اشان در جنگ‌های مختلف به وسیله‌ی امام علی (ع) کشته شده بودند، کینه‌ی آن حضرت را به دل داشتند.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

پیامبر (ص) در واپسین روزهای عمر،

۱- مورخان تنها تعداد کسانی که با ضربت علی (ع) در جنگ بدر کشته شدند را بیش از ۱۴ تن ذکر کرده‌اند که حنظله پسر ابوسفیان و برادر معاویه از جمله‌ی آنان بود.

در غزوه‌ی خندق وقتی عمرو بن عبدود از دلیران نامدار عرب از خندق عبور کرد و هم‌اورد خواست، هیچ کس از مسلمانان داوطلب رزم تن به تن با عمرو نشد، تا این که علی (ع) پیش آمد و گفت: من به مبارزه‌ی او می‌روم. پیغمبر گفت «این ابن عبدود است» و علی (ع) بی هیچ تزلزلی پاسخ داد «من هم ابن ابی طالبم». گویند وقتی وی به مبارزه‌ی عمرو می‌رفت، پیغمبر گفت: اینک تمام اسلام به مبارزه با تمام کفر بیرون شد. این سخنان ستایش آمیز پیامبر (ص)، علی (ع) را نزد مسلمانان محبوب‌تر کرد.

۳- رقابت و امتیاز طلبی گروه‌های مختلف:

از یک سو انصار با استناد به خدمات و نقش خود در تأسیس و پیروزی حکومت اسلامی، جانشینی پیامبر (ص) را حق خود می‌دانستند، و از سوی دیگر سران قریش مدعی انحصار جانشینی پیامبر (ص) در قبیله‌ی خود بودند. افزون بر آن در میان تیره‌های مختلف قریش نیز رقابت وجود داشت. پیامبر (ص) از بنی‌هاشم بود و بسیاری از تیره‌های دیگر قریش مایل نبودند خلافت نیز در این خانواده استمرار یابد.

۴- توطئه‌های پنهان: فتنه‌های دشمنان دیرینه‌ی اسلام مانند ابوسفیان که در لباسی جدید به فکر ایجاد اغتشاش و تفرقه میان مسلمانان و لطمه زدن به اسلام بودند، به این شرایط خطرناک دامن می‌زد.

انتخاب جانشین پیامبر (ص): در حالی که امام علی (ع) و برخی از صحابه مشغول انجام مراسم تدفین پیامبر (ص) بودند، در گوشه‌ی دیگری از مدینه به نام سقیفه بنی ساعده و در پی گفتگویی کوتاه، اما پر تنش بین سران انصار و مهاجر، ابوبکر با پشتیبانی جدی عمر بن خطاب و ابو عبیده جراح به عنوان جانشین رسول خدا (ص) انتخاب گردید و اعتراض امام علی (ع) و برخی دیگر از مسلمانان که نسبت به نادیده گرفتن دستور پیامبر (ص) ابراز ناراضیاتی

می‌کردند نیز به نتیجه نرسید.

خلافت ابوبکر بن ابی‌قحافه (۱۱-۱۳ ه.ق)

ابوبکر کمتر از سه سال حکومت کرد. مهم‌ترین رویدادهای عصر خلافت او عبارتند از:

۱- اعزام سپاه اسامه: این سپاه به دستور پیامبر (ص) باید به جنگ با رومیان می‌رفت، اما حرکت آن تا زمان خلافت ابوبکر به تأخیر افتاد.

۲- سرکوب شورش‌های داخلی: گروه‌هایی از اعراب بادیه‌نشین با رحلت پیامبر (ص) بار دیگر به شرک و بت‌پرستی بازگشتند. برخی قبایل نیز با امتناع از پرداخت زکات به خلیفه بر استقلال خود تأکید می‌کردند.^۱ ابوبکر با سرکوب آنان، کار مدعیان دروغین نبوت را نیز یکسره ساخت.

۳- آغاز فتوحات در مناطق تحت سلطه‌ی ایران و روم: در زمان خلافت ابوبکر جنگ و گریز قبایل عرب در مرزهای حکومت ساسانی شدت گرفت. در امتداد سرکوب مرتدان، خلیفه به سپاهیان مسلمان دستور داد در سرحدات امپراتوری‌های ساسانی و روم شرقی جهاد کنند. این فتوحات ضمن انتشار اسلام در سرزمین‌های جدید، موجب توجه اذهان به خارج از شبه جزیره و حفظ

۱- این دسته‌ی اخیر قطعاً مرتد (یعنی بازگشته از دین) نبودند ولی خلیفه تمامی آن‌ها را مرتد قلمداد کرد.

آرامش درونی جامعه‌ی اسلامی می‌گردید.

تحت سلطه‌اش (شام، مصر و ...)، موجب بروز نارضایتی گسترده و احساس نیاز به تغییر و رهایی در مردم این مناطق شده بود.

خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ هـ.ق): گسترش قلمرو اسلامی

ابوبکر قبل از مرگ، عمر بن خطاب را به جانشینی خود منصوب کرد. پیروزی‌های گسترده‌ی مسلمانان در نبرد با دو قدرت مهم آن روز یعنی ایران و روم و فتح سرزمین‌های وسیعی از ایران، شام و مصر مهم‌ترین رویداد عصر خلافت خلیفه‌ی دوم به شمار می‌آید. سرعت پیشرفت سپاه اسلام در مقابل سپاه پر شمار و مجهز امپراتوری‌های ساسانی و روم معلول عوامل زیر است:

۱- فشارهای داخلی و نابسامانی‌های اجتماعی: تشدید تبعیض‌ها و فقدان حداقلی از عدالت در نظام طبقاتی ساسانیان و ظلم و خشونت امپراتوری روم شرقی بر مناطق

۲- جاذبه‌ی اسلام: این مسأله به‌ویژه در مورد ایرانیان که اسلام را با تعالیم آغشته به خرافات دین زرتشت و سلطه‌ی بی‌حد و حصر موبدان مقایسه می‌کردند، بیشتر صدق می‌کرد.

۳- رفتار انسانی و صلح طلبانه‌ی سرداران سپاه اسلام: مردم سرزمین‌هایی که مورد حمله‌ی سپاهیان مسلمان واقع می‌شدند، اجازه داشتند با پرداخت مالیاتی تحت عنوان جزیه بر دین خود باقی بمانند و در امنیت کامل جامعه‌ی اسلامی قرار بگیرند. ساکنان شهرها و روستاهای زیادی در ایران، مصر و شام به این طریق با مسلمانان به توافق رسیدند.



گسترش قلمرو مسلمانان

پیامدهای فتوحات

اگرچه فتوحات موجب گسترش قلمرو حکومت اسلامی و افزایش شمار مسلمانان گردید، اما این مسئله پیامدهای نامطلوبی نیز داشت. از آن جمله اند:

۱- ارائه‌ی الگویی ناقص و انحرافی از

دین‌داری: بیشتر افراد سپاه اسلام در دوران فتوحات را بدویان یا اعراب نومسلمانان تشکیل می‌دادند که از تربیت دینی کاملی برخوردار نبودند، به این دلیل محتوا و پیام دین اسلام به شکلی ناقص و بعضاً تحریف شده در نواحی مفتوحه انتشار یافت.

۲- تقویت روحیه رفاه طلبی و تضعیف

ارزش‌های معنوی: با آن‌که سادگی رفتار و منش مسلمانان از مهم‌ترین عوامل پیشروی و پیروزی آنان بود، اما در درازمدت ثروت فراوانی که در پی گسترش فتوحات به جامعه‌ی اسلامی سرازیر گردید، بسیاری از مسلمانان را به رفاه طلبی و ثروت اندوزی مبتلا کرد. وقتی خلیفه‌ی دوم توزیع مساوی درآمدهای عمومی را کنار گذاشت، روحیه‌ی مال‌اندوزی همراه با تبعیض‌های اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی تشدید گردید و در دوره‌ی خلیفه سوم به اوج خود رسید.

یک توضیح

خلیفه‌ی سوم چگونه انتخاب شد؟

عمر بن خطاب پس از آن‌که در پی یک سوء قصد مجروح گردید و مرگ خود را نزدیک دید، تصمیم‌گیری در مورد خلافت پس از خود را به‌عهده‌ی شورایی از مسلمانان باسابقه گذاشت. اعضای این شورا عبارت بودند: از علی بن ابی طالب (ع)، عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف، طلحة بن عبیدالله، زبیر بن عوام و سعد بن ابی وقاص که در میان آنان، عبدالرحمن بن عوف از حق داوری نهایی برخوردار بود. پس از گفت‌وگوهای میان اعضا، عبدالرحمن بن عوف، تعهد به رعایت سه شرط را برای خلیفه‌ی بعدی ضروری دانست: عمل به کتاب خدا، پیروی از راه و روش پیامبر (ص) و پیروی از روش شیخین (ابوبکر و عمر). او ابتدا شرایط خود را به علی بن ابی طالب (ع) عرضه داشت. آن حضرت دو شرط نخست را پذیرفت، اما حاضر نشد به رعایت شرط سوم متعهد گردد. ولی عثمان هر سه شرط را پذیرفت و عهده‌دار منصب خلافت شد، گرچه به تعهداتش پایبند نماند.

خلافت عثمان بن عفان (۲۴-۳۵ هـ.ق)

در دوران عثمان، لشکر کشی و فتوح پی‌گیری شد و سپاه اسلام در ایران، ارمنستان، آسیای صغیر و شمال آفریقا پیروزی‌های چشمگیری به‌دست آورد. در این زمان برای نخستین بار نیروهای مسلمان به خاک اروپا قدم گذاشتند. نیروی دریایی مسلمانان تأسیس شد و تاجزیره‌ی قبرس پیش رفت. در ایران نیز یزدگرد سوم در حالی که

بی‌کس و یاور مانده بود، به‌دست آسیابانی در مرو کشته شد و حکومت ساسانی منقرض گشت (۳۱ هـ.ق).

اعتراض به عملکرد عثمان: خلیفه‌ی سوم از بنی‌امیه بود و اگرچه خود از مسلمانان با سابقه شمرده می‌شد، اما ضعف او در مقابل زیاده‌خواهی و منفعت طلبی خویشاوندانش، راه را برای سلطه‌طلبی امویان گشود و این خاندان را بر بخش‌های گسترده‌ای از سرزمین‌های

سنت‌های نبوی بودند و برخی مانند طلحه و زبیر امتیازاتی برابر با اشرافیت اموی می‌خواستند. به هر حال بی‌توجهی خلیفه به انتقادات و برخورد نادرست اطرافیان او با معترضان، منجر به اوج‌گیری خشم مخالفان و بروز شورش عظیمی شد که در نتیجه‌ی آن خلیفه توسط افرادی ناشناس به قتل رسید.

اسلامی مسلط ساخت. فزونخواهی اشرافیت اموی، تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی مقامات لشکری و کشوری و تبعیض‌های گسترده در جامعه‌ی اسلامی، کم‌کم به بروز و توسعه‌ی نارضایتی عمومی انجامید. البته منتقدان خلیفه انگیزه‌های متفاوتی داشتند، برخی مانند ابوذر غفاری و عمار یاسر نگران فراموش شدن دین و از میان رفتن

یک توضیح

در غزوه‌ی تبوک ابوذر از سپاه اسلام جا ماند. او پس از چند روز، با تحمل مشقت‌های بسیار خود را به سپاه رساند. پیامبر (ص) با مشاهده‌ی ابوذر از جای برخاست و او را در آغوش گرفت و فرمود: «خوش آمدی ابوذر، خدا تو را رحمت کند، که تنها می‌آیی، تنها می‌میری و تنها از خاک برانگیخته می‌شوی». ابوذر به سبب اعتراض بر عثمان به آبادی دور افتاده‌ی ربه‌ه تبعید شد و همان‌جا درگذشت.

خلافت علی بن ابی طالب (ع) (۳۵-۴۰ ه.ق)

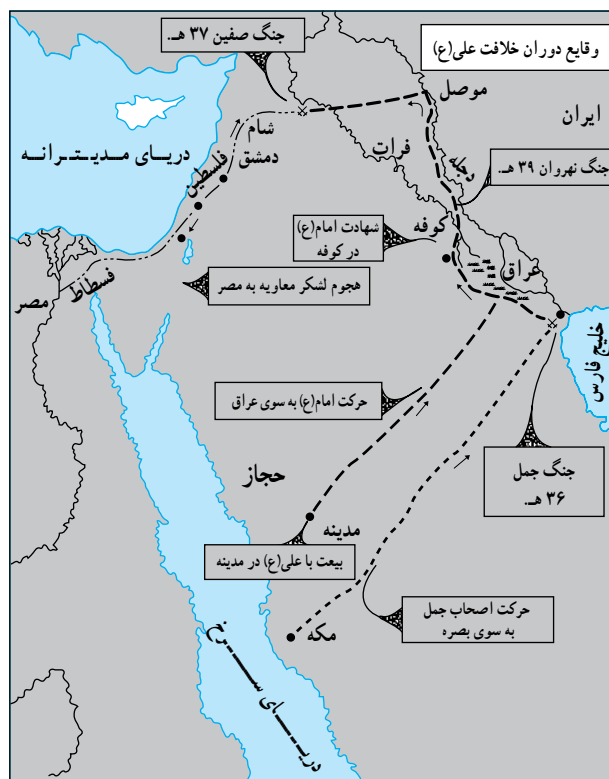
سوگند به کسی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید، اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود و گرد آمدن آنان حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان خاموشی نگزینند، ریسمان این کار (خلافت) را برگردنش می‌افکنم.
(نهج البلاغه / خطبه‌ی ۳)

جامعه‌ای که بیست و پنج سال با ارزش‌های اجتماعی عصر نبوی فاصله گرفته بود - با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی روبرو گردید. مخالفان اصلی حرکت‌های عدالت‌طلبانه‌ی امام علی (ع) عبارت بودند از:

۱- امتیاز طلبان: شیوه‌ی مدیریت و حکومت عثمان در توزیع ثروت‌های عمومی و عزل و نصب‌های سیاسی و نظامی موجب گردید روحیه‌ی برابری و برادری دینی عصر نبوی کمرنگ گردیده، افرادی به‌انکای سابقه‌ی مسلمانی یا نقش داشتن در توسعه و گسترش اسلام، خواهان

پس از قتل عثمان، مسلمانان به امام علی (ع) پیشنهاد کردند تا سکان‌داری جامعه‌ی بحران‌زده‌ی اسلامی را عهده‌دار شود. آن حضرت با توجه به شناختی که از مردم زمانه‌ی خود داشت، ابتدا از قبول آن پیشنهاد سر باز زد، اما سرانجام به اصرار مردم خلافت را پذیرفت. امام در نخستین اقدام حکومتی خود والیان و استانداران دوره‌ی عثمان را عزل کرد و به توزیع عادلانه‌ی ثروت‌های عمومی اهتمام ورزید. تلاش آن حضرت برای احیای روش حکومتی پیامبر (ص) و توسعه‌ی عدالت اجتماعی - در

امتیازات اقتصادی و سیاسی ویژه باشند. به علاوه کسانی مانند طلحه و زبیر که در شورش علیه عثمان دخالت داشتند، خود را مستحق دریافت امتیازات خاصی از امام علی (ع) می‌دانستند و حاضر به پذیرش رویه‌ی امام برای گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی نبودند. آنان گرچه در آغاز با امام بیعت کردند اما چندی بعد بیعت خود را شکستند^۱ و در مقابل او به صف‌آرایی پرداختند. کوشش‌های امام (ع) برای دفع فتنه بی‌نتیجه ماند و جنگ جمل بر آن حضرت تحمیل شد. این جنگ در اطراف بصره اتفاق افتاد و امام پس از پیروزی بر اصحاب جمل (طلحه، زبیر و عایشه) به کوفه رفت و آن شهر را مرکز خلافت خود قرار داد.



۲- امویان و وابستگان آن‌ها: امویان در دوران سه خلیفه‌ی اول بر جامعه‌ی اسلامی نفوذ و سیطره یافتند. از جمله معاویه فرزند ابوسفیان از سوی خلیفه‌ی دوم حاکم

شام شد و روز به روز بر دامنه‌ی قدرت و نفوذ خود در شام و مصر افزود. قدرت و ثروت معاویه و سایر افراد خاندان اموی در دوره‌ی خلافت عثمان به اوج خود رسید. این گروه که در تاریخ به قاسطین (ستمکاران) معروف گشتند هرگز حاضر به واگذاری قدرت و حتی تحمل حکومت امام علی (ع) نبودند. آنان به سرکردگی معاویه، به بهانه‌ی خونخواهی عثمان، به مخالفت با علی (ع) و سرکشی در مقابل او پرداختند و جنگ دیگری بر جامعه‌ی اسلامی تحمیل کردند. این جنگ در منطقه‌ی صفین -جایی در حدود مرز عراق و شام- رخ داد. در آستانه‌ی پیروزی سپاه امام، با دسیسه‌ی عمروعاص که در اردوی امویان بود، سپاهیان معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و خواستار حکمیت شدند. کوشش یاران صادق امام مانند مالک اشتر به نتیجه نرسید و پیشنهاد حکمیت به سبب کوتاه بینی برخی از افراد سپاه امام علی (ع) براو تحمیل شد. به این صورت معاویه از شکست قطعی نجات یافت.

۳- خوارج: این افراد که به مارقین نیز معروف شده‌اند، همان کسانی بودند که در بحبوحه‌ی جنگ صفین، امام را وادار به قبول حکمیت کردند، اما وقتی دریافتند معاویه آنان را فریب داده، پشیمان شدند، ولی به جای سرزنش خود، در یک اقدام غیر منطقی، امام را مورد نکوهش قرار دادند. امام با ملایمت و از طریق موعظه سعی کرد آنان را به راه راست هدایت نماید و مانع آشوبگری شود، اما خوارج بر جهالت و تعصب خود سماجت کردند و سرانجام در مقابل امام آماده‌ی اقدام نظامی شدند. امام به ناچار در نهروان در برابر آنان ایستاد. با نصیحت امام (ع) بیشتر خوارج از اردو خارج شدند. بقیه در جنگ کشته شدند و یا از معرکه گریختند.

۱- به همین دلیل به ناکثین (بیمان شکنان) معروف شدند.

در طول سال‌های درگیری امام با مخالفان و دشمنان عدالت، عده‌ای نفع خویش را در کناره‌گیری و انزوای طلبی دیدند و در جدال حق و باطل سکوت کردند. گوشه‌گیری این گروه که در تاریخ به قاعدین (برجای نشستگان) معروف شدند، در واقع جبهه‌ی امتیازطلبان و اشرافیت مال‌اندوز را تقویت و جبهه‌ی حق را تضعیف کرد.

یک توضیح

ملاک داوری

چون بسیاری از مخالفان امام علی (ع) را چهره‌های سرشناسی تشکیل می‌دادند که به ظاهر دارای اعتبار دینی بودند، آن حضرت به سختی می‌توانست مردم ظاهرین را در مقابل آنان بسیج نماید. امام در یک سخنرانی تاریخی و در کلامی نغز به مردم گوشزد نمود به جای آن صرفاً موقعیت ظاهری افراد را ملاک تشخیص حق و باطل قرار دهند، نخست برای شناسایی حق از باطل تلاش کرده، سپس حق را ملاک داوری در مورد افراد، اندیشه‌ها و رفتارهای آنان بدانند.

روزهای پایانی خلافت امام علی (ع): ماجرای حکمیت و درگیر شدن امام با فتنه‌ی خوارج، موجب سرکشی بیشتر معاویه گردید. بنابراین امام پس از جنگ نهروان تصمیم گرفت بار دیگر برای رویارویی با امویان مهیا شود؛ اما در حالی که بهترین یاران امام مانند محمد بن ابی بکر و مالک اشتر با دسیسه‌های معاویه کشته شدند، مردم کوفه حاضر به همراهی وی در نبردی دیگر نبودند. امام رنجیده خاطر از فتنه‌ی دشمنان، شهادت یاران و سستی همراهانش، همچنان برای سامان بخشیدن اوضاع جامعه‌ی اسلامی در تلاش بود که سرانجام در ۱۹ رمضان سال ۴۰ هـ.ق در مسجد کوفه، با شمشیر زهرآلود ابن ملجم - از بقایای خوارج نهروان - مجروح شد و دو روز بعد به شهادت رسید.

یک توضیح

بخشی از خطبه‌ی امام خطاب به کوفیان

به کسانی گرفتار شده‌ام که چون آن‌ها را می‌خوانم، جواب نمی‌دهند. نفرین بر شما، برای نصرت و یاری دین خدا منتظر چه هستید؟ آیا باوری نیست که شما را گرد آورد؟ آیا غیرتی نیست که شما را تکان دهد؟ در میان شما ایستاده‌ام و فریادکنان یاری و همراهی می‌طلبم ولی سخن مرا گوش نمی‌دهید و فرمانم را پیروی نمی‌کنید. سوگند به خدا، درخانه‌ها بسیارید و در زیر پرچم‌های جنگ اندک. به من خبر رسید که لشکر معاویه به شهر انبار وارد شد و یکی از لشکریان آن‌ها به خانه‌ی یک زن مسلمان و یک زن غیر مسلمان داخل شده و دستبند و گردن‌بند او را گرفت ولی آنان نتوانستند مانع او شوند. اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد، بر او ملامت نیست.

با وجود همه‌ی درگیری‌ها و آشوب‌ها، حکومت کوتاه اما پرفراز و نشیب امام از جهات مختلف قابل توجه و بررسی است: زهد و ساده زیستی امام؛ ممانعت او از هرگونه سوءاستفاده‌ی افراد - حتی اعضای خانواده‌اش - از اموال و امکانات عمومی؛ رسیدگی به طبقات محروم جامعه و اهتمام به برخورداری آن‌ها از حداقل امکانات زندگی؛ رفع هرگونه تبعیض اجتماعی و اقتصادی و تلاش برای توسعه‌ی عدالت و امنیت برای همه‌ی مردم اعم از مسلمانان باسابقه، تازه مسلمانان غیر عرب (موالی) و حتی غیر مسلمانان (اهل ذمه)؛ صبر و تحمل ستودنی در مقابل مخالفان - البته تا زمانی که امنیت جامعه را برهم نمی‌زدند - و حتی دستور به مدارا با کسی که به قتل او اقدام کرده بود، از جلوه‌های کم نظیر حکومت علی (ع) بود.

پژوهشگران تاریخ اسلام زندگانی امام علی (ع) را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

۱- بیست و سه سال جهاد در راه خدا [دوران پیامبر (ص)]

۲- بیست و پنج سال سکوت برای حفظ وحدت مسلمانان [دوران سه خلیفه‌ی اول]

۳- پنج سال مبارزه برای استقرار عدالت [دوران خلافت]

خلافت امام حسن مجتبی (ع)

پس از شهادت امام علی (ع)، مردم مناطقی چون کوفه، یمن، فارس و بصره با فرزندش امام حسن (ع) بیعت کردند؛ اما عواملی چند موجب گردید که امام حسن (ع) ناچار به کناره‌گیری از خلافت شود، از جمله آن که:

۱- تلاش معاویه برای تسلط بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی پس از شهادت امام علی (ع) به اوج خود رسید. معاویه مانند گذشته از دو راه به پیشبرد اهداف خود

پرداخت:

الف - مهیا کردن قوای نظامی چند هزار نفری برای جنگ.

ب - تشدید جنگ روانی علیه امام حسن (ع) از طریق فرستادن جاسوسان و مزدورانی برای فتنه‌گری، تفرقه‌افکنی و شایعه‌پراکنی در سرزمین‌های اسلامی به خصوص عراق مرکز خلافت امام حسن (ع).

۲- امام حسن (ع) برای مقابله با سرکشی معاویه اقدام به سازماندهی سپاه کرد. اما او نیز مانند پدرش فاقد سپاهی یک‌دست، با انگیزه و مطیع بود. جز افراد انگشت‌شماری که تا پای جان حاضر به همراهی با امام بودند، بقیه افرادی سست‌عنصر و کم‌انگیزه بودند و به راحتی در مقابل مبلغ ناچیزی که توسط جاسوسان معاویه به آنان پیشنهاد یا پرداخت می‌گردید، به سپاه معاویه می‌پیوستند و یا حداقل سپاه امام را ترک می‌کردند. سستی و زبونی کوفیان در برابر وسوسه‌های جاسوسان و حيله‌گری‌های یاران معاویه نه تنها موجب ناکامی امام علی (ع) در جنگ صفین گردید که سپاه امام حسن (ع) را نیز در جنگ سباباط در آستانه‌ی شکست قرار داد. دسیسه‌ها و شایعات دشمن چنان تزلزل و اغتشاشی در میان کوفیان ایجاد کرد که افراد دسته دسته گریخته و یا به سپاه معاویه می‌پیوستند، برخی حتی به خیمه‌ی امام یورش برده، آن را غارت کردند. کار به جایی رسید که امام را زخمی کرده، فرش زیر پای او را ربودند.

در چنین شرایطی، امام تصمیم نهایی را برای ادامه‌ی جنگ یا خاتمه‌ی آن به معدود یاران باقی مانده‌ی خود سپرد و فرمود اگر اهل نبرد هستید تا پای جان بجنگیم و اگر زندگی را به مرگ در راه خدا ترجیح می‌دهید، با معاویه صلح کنیم؛ آنان راه دوم را پذیرفتند و امام برای جلوگیری از وقوع شکستی قطعی که می‌توانست جان و مال همه‌ی

مردم عراق را در مقابل سپاه شصت هزار نفری معاویه به مخاطره اندازد، خلافت را با شرایطی به معاویه واگذار کرد. مهمترین تعهدات معاویه در پیمان صلح با امام حسن (ع) عبارت بود از:

- ۱- براساس کتاب خدا و سنت نبوی حکومت کند.
- ۲- از دشنام به امام علی (ع) و آزار شیعیان و پیروان او پرهیز نماید.

۳- جانشینی برای خود تعیین نکند. امام حسن (ع) پس از صلح با معاویه، همراه خانواده‌ی خود به مدینه بازگشت. معاویه تمام تعهدات خود را زیر پا نهاد و مردم عراق که بیشترین تقصیر را در تنها گذاشتن امام علی (ع) و امام حسن (ع) و در نتیجه پیروزی معاویه داشتند، بیشترین رنج و خسارت را در طول حکومت او و سایر خلفای اموی متحمل شدند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی موجب گردید پس از رحلت پیامبر (ص)، به سفارش او در مورد جانشینی امام علی (ع) عمل نشود؟
- ۲- تحولات مهم جامعه‌ی اسلامی را در زمان خلیفه‌ی دوم تحلیل کنید.
- ۳- مسائل مهم جامعه‌ی اسلامی در زمان خلیفه‌ی سوم چه بودند؟
- ۴- حضرت علی (ع) در طول خلافتش با چه مشکلات اجتماعی روبرو بود؟
- ۵- گروه‌های مخالف حضرت علی (ع) را نام برده، دلایل سرکشی آنان را در برابر امام ذکر کنید.
- ۶- مواد صلح نامه‌ی امام حسن (ع) با معاویه بیانگر چه واقعیت‌هایی در جامعه‌ی آن روز است؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- جریان یکی از فتوح مسلمانان را در ایران گزارش کنید.
- ۲- آیا تاکنون فیلمی درباره‌ی تاریخ اسلام در عصر خلفای نخستین دیده‌اید؟ به نظر شما مهم‌ترین قسمت‌های آن فیلم کدامند؟ چرا؟
- ۳- شیوه‌ی انتخاب چهار خلیفه‌ی نخست را با هم مقایسه کنید. از این مقایسه چه نتایجی می‌توان گرفت؟
- ۴- درباره‌ی رفتار امام علی (ع) با موالی یا غیر مسلمانانی که در جامعه‌ی اسلامی زندگی می‌کردند، مطلبی تهیه کنید.
- ۵- با بررسی نمونه‌های تاریخی، درباره‌ی معنای بیعت و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن در جامعه‌ی اسلامی قرون نخست، مطلبی تهیه کنید.